

روز مبعث چه روزی است؟



روز مَبْعَثِ روزی است که محمد، پیامبر اسلام، به درجه پیامبری برگزیده شد. آن حضرت در غار حرا، توسط جبرئیل و از سوی خدا به پیامبری نایل آمد و مأمور شد که چند خداپرستی و بت پرستی را از زمین بردارد و خداپرستی را رواج دهد و پیام وحی را به مردم برساند. محمد (ص) در این زمان چهل سال داشت و در مکه زندگی می کرد.

روز مَبْعَث، روزی است که حضرت محمد، پیامبر گرانقدر اسلام، به درجه پیامبری برگزیده شد. در تقویم هجری قمری، ۲۷ رجب روز مبعث است.

حضرت محمد مصطفی در روز (۲۷ رجب) سال ۴۰ عام الفیل، همزمان با سال ۱۳ پیش از هجرت پیامبر اسلام، در غار حرا، توسط (جبرئیل) و از سوی خدا به پیامبری نایل آمد و مأمور شد که چند خداپرستی و بت پرستی را از زمین بردارد و خداپرستی را رواج دهد و پیام وحی را به مردم برساند.

روز مبعث، روز برانگیختن خردهایی است که در تابوت خُرافه گرایی، هوس پرستی و جهل پیشگی دفن شده بود. روز مبعث روز تولد عاطفه هاست؛ عاطفه هایی که در رقص شمشیرها

زخمی می شد و در جنگل نیزه ها جان می باخت. آن روزها، دخترکان معصوم، به جای آغوش گرم مادر، در دامان سرد خاک می خفتند. جوانان بلندقامت، در جنگ جهالت ها، جان به بارش تیرها می دادند و زنان بی پناه، در بند اسارت می زیستند. آه که چه خارهایی به پای بشریت می خلید و چه زخم هایی دل عاطفه ها را می خست.

روز مبعث، روز مرگ قساوت ها و شرارت ها بود؛ روز مرگ کرامت هایی که به پای بت ها قربانی می شد؛ روز مرگ جهل و شرک و پرستش های ناروا بود.

بودم مرا به تهیه کننده برنامه (آقای خرمشاهی) معرفی کردند و این جوری شد که از برنامه (روز آمد) سردر آوردم.

* شما در برنامه های تلویزیونی کارشناسی می کنید و برای مشکلات مردم راه حل ارایه می دهید. آیا خودتان در زندگی دچار مشکل نشدید؟

** خب من هم در زندگی شخصی ام مسئله پیدا کردم مثلاً در سال ۸۹ در بورس شکست خوردم یا مثلاً در ارتباط دوستی ام شکست خوردم. دوستی داشتم که ۲۰ سال سابقه دوستی با هم داشتیم اما با یک اشتباه ارتباطمان به هم خورده و... لذا می خواهم بگویم لزوماً اگر من روانشناسم، معنی اش این نیست که خیلی آهین و روئین تنم و بدون مشکل پیش می روم. اصلاً این جور نیست شاید تنها کمکی که روانشناسی به من می کند این است که من خیلی زود خودم را جمع می کنم یعنی اجازه نمی دهم اگر مشکلی برایم پیش بیاید. ناراحتی مدت زیادی طول بکشد و باعث شود مرا از پا بیندازد خیلی کوتاه ناراحت می شوم اما سریع خودم را جمع و جور می کنم و باز از اول شروع می کنم.

* شما با این مشغله کاری آیا وقت می کنید به خودتان هم برسید؟

** این جزء اصول اولیه کاری من است که با خودم قرارداد کردم اوقات فراغت پس انداز نمی شود. من در ۳۶ سالگی می توانم لذتی را ببرم که در ۳۷ سالگی نمی توانم ببرم یا در ۴۰ سالگی نمی توانم ببرم همان طور لذت هایی که در ۲۴ سالگی می بردم الان نمی توانم ببرم.

پس من با خودم عهد کردم با تمام شلوغی بخش خصوصی زندگی را نگه دارم و تازه به این نتیجه رسیدم موقعی که می خواهم به تفریح بروم موبایلم را خاموش کنم.

* تفریحات شما چیست؟

** من عاشق طبیعت هستم. کلاً آدم هایی که تیپ روان شناختی برون گرایی دارند، کسانی هستند که از طبیعت و از جمعیت انرژی می گیرند لذا تا امروز که دارم با شما صحبت می کنم بالاترین تفریحی که به من انرژی می دهد این است که با جمعی به طبیعت بروم.

جنگل، کوه، دشت و کویر به من آرامش می دهد و از آنها لذت می برم. البته جدای از اینها در اوقات فراغتم به سوار کاری، تیراندازی، شنا و رفتن به سینما هم می پردازم.

* این انرژی شما از کجا می آید؟

** خب بخشی از آن ذاتی است و بخش هم برمی گردد به نگاه من به زندگی. من خودم را جزو آدم های عاشق می دانم ولی عشق از نگاه جاری بودنش؛ یعنی من صبح که از خواب بیدار می شوم از دنده چپ بلند نمی شوم بلکه از دنده راست بلند می شوم. من از همه چیز حتی اشیاء انرژی می گیرم.

* رمز موفقیت شما چیست؟

** خب ببینید من یک مادر بلند پرواز و حمایت گر دارم و پدری که به تصمیمات من احترام گذاشته و خواهر و برادری که عاشقانه آنها را دوست دارم، همینطور آنها مرا بخشی از موفقیتم وجود چنین خانواده ای بود و بخش دیگرش هم اعتماد به خدا و خودم بود.

* به نظر شما نخبگان در کشور چه جایگاهی دارند؟

** به نظر من نخبه کسی است که جایگاهش را به هر شکل در کشور پیدا می کند ولی ما اصولاً می گوئیم نخبگان جایی ندارند مثلاً فلان چیز را اختراع کردیم پس چرا کسی نیامد ما را حمایت کند من معتقدم مهم فقط اختراع کردن یا تولید علم نیست نخبگی در این است که من بتوانم علمی را تولید بکنم و بعد ارائه اش بدهم یعنی پیوند تولید به ارایه پیوند دانش به اقتصاد اینها نخبگی را ایجاد می کند پس به نظر من نخبه کسی است که جایگاهش را پیدا می کند.

گفتگو

مریم احمدی



اوقات فراغت پس انداز نمی شود!



مهدی فلاحی جوان مستعدی است که به خاطر توانایی هایش توانسته خیلی سریع پله های ترقی را بپیماید و در رسانه ملی به عنوان کارشناس مشاور و مددکار اجتماعی جایی برای خود باز کند و مورد توجه مردم قرار گیرد. وی را هر روز در برنامه «روز آمد» شبکه ۵ می بینیم. یکی از ویژگی های او صمیمی و مهربان بودنش است. با او گفتگویی کردیم که از نظراتان می گذرد.

گفتگو با «مهدی فلاحی» کارشناس برنامه های تلویزیونی:

* قدری از خودتان بگویید.

** مهدی فلاحی متولد ۶ تیر ۱۳۵۸ تهران مجرد. مددکاری اجتماعی خواندم مدتی را هم به جهت این که با فضای بین المللی هم آشنا شوم در خارج از کشور گذراندم و از سال ۸۵ کلینیک مددکاری ام را پایه گذاری کردم.

* چه چیزی باعث شد که شما علاقه مند و جذب این رشته شوید؟

** خب به جهت این که یک نوع حمایت گری همیشه دغدغه من بود و چون خانواده ام یعنی پدر و مادر و خواهر و برادری حمایت گر دارم و در خانواده های بزرگ شدم که حمایت درش خیلی ارزش بوده (حتی الان در این سن هنوز از من حمایت می کنند). من این نوع حمایت گری را دیدم که علاقه مند شدم. موضوع دیگر این که من همیشه در بچگی لباس سپید درمان را خیلی دوست داشتم و دوست داشتم درمانگر باشم و وقتی که این رشته را قبول شدم احساس کردم از این طریق هم می توانم کار درمان را ادامه دهم البته بهتر از درمان کار پیشگیری و سلامت را ادامه بدهم لذا علاقه مند شدم بهش و نکته بعدی اش هم ارتباطات گسترده ای است که در این رشته می توان برقرار کنی.

* چطور شد از تلویزیون سر در آوردید؟

** خب من در گذشته وبلاگی داشتم که این وبلاگ خیلی دیده می شد تعدادی از تهیه کننده های تلویزیون وبلاگ من را دیده و خوانده بودند و خیلی خوششان آمده بود، با من تماس گرفتند و من را دعوت کردند برای برنامه های تلویزیونی. بعضی از تهیه کننده ها هم از دوستانم هستند مثل آقای رحیمی - کارشناس مجری برنامه (اردیبهشت). شبکه ۴ - چون مرا خوب می شناخت برای همکاری دعوتم کرد.

برای برنامه (روز آمد) شبکه ۵ هم چون با آقای امیر احمدی (مجری برنامه) از قبل آشنا